

چالش‌ها و پرسش‌های انسان‌شناسی ایرانی

نعمت الله فاضلی^۱

چکیده

انسان‌شناسی ایرانی چیست؟ آیا اساساً چیزی به نام انسان‌شناسی ایرانی وجود دارد؟ اگر وجود دارد به چه موضوعاتی می‌پردازد و گفتمان‌های آن کدامست؟ مسائل آن چیست؟ برخی انسان‌شناسان اینگونه استدلال می‌کنند که هنوز انسان‌شناسی در ایران شکل نگرفته است؛ زیرا «محوریت انسانی‌شناسی هنوز به وجود نیامده» است و منظور از محوریت انسان‌شناسی، نظریه انسان‌شناسی است که چشم‌انداز ما را در ارتباط با فرهنگ ایران روشن کند و بتوانیم از این چشم‌انداز با جهان ارتباط برقرار کنیم.

فارغ از نوع پاسخ‌های موجود یا ممکن به پرسش‌های انسان‌شناسی در ایران و چیستی و چگونگی آن، باید اذعان کرد که اکنون وقت آن رسیده است تا این پرسش‌ها با دقت بررسی تجربی شود و برای حرکت کردن و برداشتن گامی به جلو بیش از هر چیز ما انسان‌شناسان باید چیستی و کیستی خودمان و رسالت و هدف‌هایمان و مشکلات و مسائل مان را بکاویم. در این نمی‌توان تردید داشت

۱. استادیار انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

که انسان‌شناسی در ایران با مشکلات و موانعی روبه‌روست؛ اما تجربه‌هایی نیز وجود دارد و اکنون دانش‌آموختگان و دانشجویان زیادی خود را به عنوان محققان و کنشگران این حوزه می‌شناسند و مراکز، مجلات و محافل بسیاری متناسب به انسان‌شناسی در ایران در داخل و خارج این کشور فعالیت می‌کنند؛ از این رو بیان اینکه چیزی به نام انسان‌شناسی در ایران وجود ندارد با برخی واقعیت‌های موجود منطبق نیست و باید به جای نفی واقعیت موجود به بررسی انتقادی انسان‌شناسی در ایران و مسائل آن پردازیم.

این مقاله به بررسی انتقادی درباره مشکلات و موانع توسعه و رشد پژوهش‌های انسان‌شناسی در ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، انسان‌شناسی، ایران، بومی کردن